

باب‌هایی نوین، پیش روی مکتب آموزشی ترویج، در ایران امروز

● دکتر اسماعیل شهبازی

در حالی که به خود حق می‌دهیم تا از این پیشرفت‌های علمی و پژوهشی مسرور و مفتخر باشیم، در عین حال نگران این مسئله نیز هستیم که این پدیده‌های نوین علمی، نوآوری‌های تکنولوژیکی و نیز نتایج حاصل از پژوهش‌های علمی بین‌المللی و ملی چگونه، چه وقت و به توسط چه کسانی به دست میلیون‌ها نفر بهره‌برداران پراکنده بر عرصه این سرزمین پهناور می‌رسد و آنان، در فرآیند تولید و بهره‌برداری خود، چگونه این اطلاعات علمی - کاربردی، و نوآوری‌های فنی را به خدمت می‌گیرند؟ هر آینه در عرصه‌های طبیعی این سرزمین مسئله و مشکلی در فرآیندهای مختلف و متنوع بهره‌برداری وجود نمی‌داشت و یا کمیاب می‌بود، امروزه به راحتی نتیجه می‌گیریم که تحصیل نوآوری‌های علمی از سطوح مختلف ملی و بین‌المللی، و کوشش‌های رو به تزاید پژوهندگان داخلی کشورمان، در مجموع تلاشی‌هایی در جهت کسب علم، به خاطر و به صرف خود علم، و هر چه بیشتر عالم شدنمان است. ولی ایکاش این طور می‌بود، در حالی که در عالم واقع این چنین نیست. چه آنکه، جهت‌گیری‌های عملی -

سابقه مؤثر و مفید کاربرد مکتب آموزشی ترویج در فرآیند توسعه کشاورزی کشور در بالغ بر ۴۰ سال گذشته، اندیشمندان و دست‌اندرکاران برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را ترغیب نموده و می‌نمایند که برای اشاعه علوم و تکنولوژی‌های نوین، پیشرفته و مناسب در همه زمینه‌های مربوط و ذی‌مدخل در فرآیند توسعه، این مکتب آموزشی را به خدمت بگیرند.

در یک مرور کلی برای پی بردن به علل و انگیزه‌های این اقبال عمومی، این واقعیت قابل استنباط و ذکر است، که نوآوری‌های علمی و تکنولوژیکی جهان امروز در زمینه‌های مربوط به منابع طبیعی تجدیدشونده و محیط طبیعی زیست، و نیز منابع دامی و ذخایر آبی و همچنین، نتایج حاصل از پژوهش‌های آبخیزداری و آبخوانداری و بیابان‌زدایی روزافزون و روزآور هستند. این در حالی است که دست‌آورد‌های پژوهشی متخصصان ایرانی هم در هر یک از این زمینه‌ها، نه تنها روزافزون و روزآور هستند که در برخی از موارد شوق‌انگیز و افکارآمیز نیز می‌باشند.

مطلب حاضر متن سخنرانی دکتر اسماعیل شهبازی رئیس هیأت مدیره انجمن علمی ترویج و آموزش کشاورزی در اولین سمینار علمی ترویج منابع طبیعی، امور دام و آبزیان، (۲۲ لغایت ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۷۵)، در تالار علامه امینی، دانشگاه تهران است که به دلیل اهمیت آن از نظر گرامتاز، می‌گذرد.

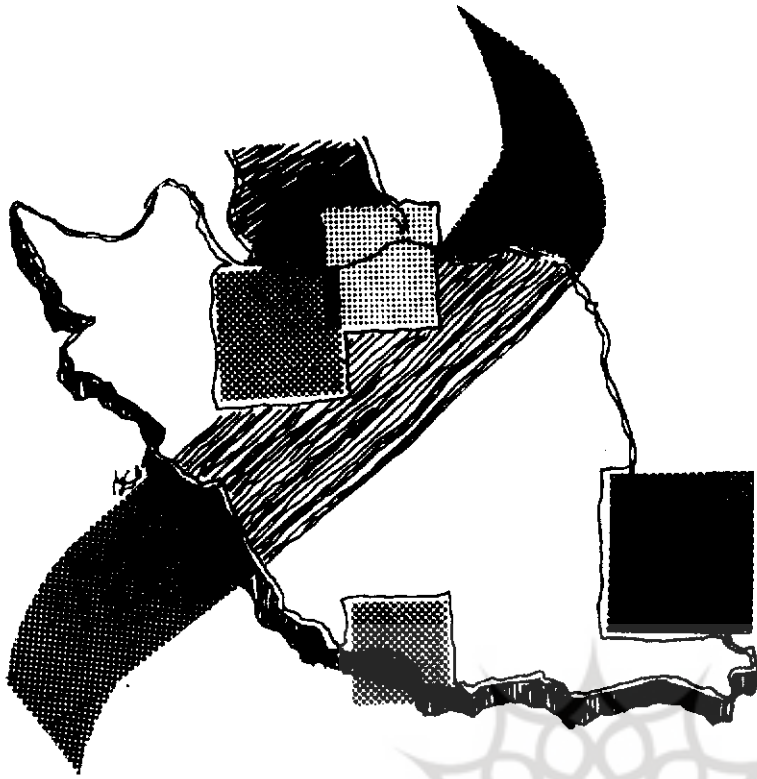
پژوهشی ما، به لحاظ وجود مسائل و مشکلات دست و پاگیر و بعضاً یغرنجی است که امروزه در فرآیند بهره‌برداری از منابع طبیعی و دامی و آبی، با آنها مواجه هستیم. این بدین معنی است که مسئله و مشکل داریم و لذا، برای حل و رفع آنها هم ناگزیر، به کسب علم می‌پردازیم.

کار تجارنی شدن و تولید اقتصادی روز به روز در جهان امروز رو به تزاید است و هر گاه قرار باشد روند تولید معیشتی و اشتغالات مردم در فعالیت‌های کشاورزی و منابع طبیعی و آبی‌پروری کماکان بر مبنای غیراقتصادی ادامه یابد، دست‌آوردهای بهره‌برداران ما، نه تنها در بازارهای بین‌المللی، که حتی در بازارهای داخلی هم، ضرب رقابت و ایستادگی در مقابل رقبا خارجی خود را از دست می‌دهند.

با این مقدمه، این گونه می‌توان نتیجه گرفت که در موارد حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری از کلیه منابع طبیعی خود، اعم از جنگل و مرتع و آب و خاک و دام و آبی مسئله و مشکل داریم، و این مسائل و مشکلات برای جوامع امروز و فردایمان هشدار دهنده هستند.

همه ما به وجود این گونه مسائل و مشکلات اذعان داریم، و به طور کلی آنها را می‌شناسیم و همزمان، توسعه علمی و تکنولوژیکی لازم برای حل و رفع این قبیل مسائل و مشکلات را نیز در حد مقدرات اقتصادی و بضاعت علمی خود تدارک دیدیم. و اینک این پرسش اساسی مطرح می‌شود که: چرا توشه و تجهیزات علمی و تکنولوژیکی خود را برای حل مسائل و رفع مشکلات موجود در رابطه با این منابع بکار نمی‌نندیم؟ کدام "نبود" یا "کمبود" موجب بروز این نارسائی‌ها شده است؟ حلقه مفقود برای پیوند دادن راه حل به مسئله کدام است؟

سیری بر مقالات و مباحث طرح شده در این سمینار به وضوح مبین این واقعیت است که می‌باید به دنبال رابط و وسیله‌ای برای نیل و یا دستیابی به عامل و زمینه‌های عمل در عرصه‌های واقعی باشیم. این به عبارت دیگر به این مفهوم است که می‌باید در پی گزینش فرد یا افرادی و یا واحد یا واحدهائی باشیم تا در حکم حلقه وصل، رابط دانشمندان و متخصصان و کارشناسان علوم و معارف کشاورزی و منابع طبیعی با



نوده‌های بهره‌بردار باشد. تا آنگاه بتوانیم متوقع باشیم که این علوم و معارف از آزمایشگاه‌ها و مزارع آزمایشی به بیرون رسوخ می‌یابند و در صحنه‌های واقعی عمل به اجرا در می‌آیند و تجربه می‌شوند. در نتیجه ایجاد این پیوند، نه تنها معلومات علمی و پژوهشی در فرآیند تولید و بهره‌برداری قرار می‌گیرند، که کاستی‌ها و نارسائی‌ها و عکس‌العمل‌ها و تبعات نوظهور کاربرد این معلومات علمی و پژوهشی در صحنه‌های واقعی عمل نیز هویدا، و به توسط همان رابط، برای تحقیق و بررسی بیشتر به دانشمندان و متخصصان و کارشناسان علوم و معارف کشاورزی و منابع طبیعی منعکس می‌گردند.

در این حلقه پیوند دهنده، ترویج به عنوان یک مکتب آموزشی است و عامل پیوند آنها هم مروج، در حکم معلم این مکتب است. وجوه یک نظام ترویجی بویا در یک زمینه ویژه، مقدمه آشنائی، آزمایش و پذیرش و کاربرد علوم و تکنولوژی‌های نوین، پیشرفته و مناسب به عاملیت مروج و به توسط هزاران خانوار بهره‌برداری است که در هر یک از زمینه‌ها وجود دارند.

مروج جنگلداری، مروج مرتعداری، مروج دامپروری، مروج دامپزشکی، مروج آبخیزداری، مروج آبی‌داری، مروج آبخوانداری، مروج بیابان‌زدایی، مروج عمران و آبادانی، مروج صنایع روستایی، مروج حفاظت محیط‌زیست، مروج بهداشت و تغذیه، مروج بهسازی مسکن روستایی و احیاء مروجین دیگر در این قبیل زمینه‌ها، جملگی در حکم حلقه‌ها و یا عاملان پیوند پژوهندگان و بهره‌برداران در صحنه‌های واقعی عمل هستند، که هر آینه در حوزه‌های روستایی و عشایر حوزه‌های مربوط در تماس مستقیم و مستمر با بهره‌برداران باشند، و هر آینه بر مبنای اصول و فلسفه حاکم بر مکتب آموزشی ترویج و در قالب برنامه‌های مربوط عمل نمایند، می‌توانند به عنوان معلم علوم و تکنولوژی‌های نوین، پیشرفته و مناسب، فرهنگ حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی تجدید شونده و منابع و ذخایر دامی و آبی و نیز، حفاظت از محیط طبیعی زیست را به صورت معارف عمومی مردم در آورده و اصول کاربردهای ویژه هر یک را با استفاده از روش‌های ترویجی مناسب به

بهره‌برداران مربوط در هر زمینه آموزش دهند و مستمراً پیگیری نمایند.

و این‌ها، باب‌های نوینی هستند که پیش روی مکتب آموزشی ترویج مفتوح است. گشایش این باب‌ها از یک سوی، استمرار کوشش‌های علمی برای کسب علوم و تولید تکنولوژی‌های نوین و پیشرفته را متناسب و قانوناً و اخلاقاً موجه می‌سازد و از سوی دیگر، پیوند آرمانی بهره‌برداران روستایی با بزرهنگان و متخصصان و کارشناسان را مقدور می‌کند. گذر از این باب‌ها مستلزم شناخت و برنامه‌ریزی دقیق برای ایجاد نظام‌های عامل، و پرورش نیروی انسانی لازم و کافی در تمام سطوح تشکیلاتی و برای تمام زمینه‌های مربوط است. و لذا،

در پایان این اجمال، نتیجه‌گیری می‌شود که برای حل مسائل و رفع مشکلات در زمینه‌های مورد بحث، راه حل‌های علمی - کاربردی منطبق با شرایط ملی وجود دارد، و فقط لازم است که جداً در صدد پرورش و به کارگیری مروجانی باشیم که می‌توانند این راه‌ها را به عنوان معارف فنی و عمومی، در بین میلیون‌ها بهره‌برداری که در عرصه‌های این سرزمین مستقر می‌باشند تممیم دهند. و این اصالتاً نقش اساسی مکتب آموزشی ترویج در این فرآیند می‌باشد، که این نیز به نوبه خود مستلزم اقداماتی است که ذیلاً به چند مورد مقدماتی آن اشاره می‌شود و مکمل آن‌ها، توصیه‌هایی هستند که در قالب رهنمودهای عملی این سمینار اعلام می‌گردد.

□ پیشنهاد برخی رهنمودهای عملی برای اقدام

۱ - با هدف تنویر افکار عمومی و افزایش سطح دانش‌های عملی مردم، ترویج به عنوان یک مکتب آموزشی می‌باید از طریق اشاعه پدیده‌های عملی - کاربردی و نشر یافته‌های پژوهشی و پیگیری نوآوری‌ها در فرآیند توسعه علوم و تکنولوژی‌های نوین و مفید و مناسب، در تمام زمینه‌ها، و به ویژه در زمینه‌های حفظ، احیاء و توسعه بهره‌برداری از منابع خاک، آب، مرتع و جنگل و منابع کویری و بیابانی و ذخایر دام و آبزیان و شیلات به خدمت جامعه گرفته شود.

۲ - عمران روستایی و توسعه کشاورزی به طور اعم، مستلزم آموزش‌های ترویجی به منظور جلب نیروهای مردمی برای مشارکت مسئولانه و همکاری در فرآیند عمران و توسعه همه جانبه است. در عین حال، به خدمت گرفتن ترویج برای آموزش مردم در زمینه‌های بهداشت عمومی و تغذیه و تنظیم خانواده، بهسازی محیط زیست روستایی، بهسازی مسکن روستایی، تممیم اصول و شیوه‌های تأمین اجتماعی، و توسعه تشکلهای تعاونی و نهادهای مردمی، از جمله راهبردهای اساسی در فرآیندهای توسعه و عمران است که می‌باید جداً مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌های کلان کشور قرار گیرد.

۳ - فعالیت‌های کشاورزی و منابع طبیعی در روند رو به تزاید تجارتهی شدن و نتیجتاً، اقتصادی شدن هستند. ترویج می‌باید بکوشد تا با تکیه بر نتایج حاصل از بررسی‌ها و پژوهش‌های علمی - کاربردی، ابواب نوین و متناسبی را برای آموزش و اشاعه اصول و مبانی مدیریت در فعالیت‌های مزرعه‌داری، دامداری، مرتعداری، جنگلداری، آبخیزداری، آبیرداری، و نیز،

آموزش مدیریت تولید در مناطق کویری و بیابانی بگشاید. و از طریق تهیه و تدوین متون مناسب و بیسرفته، در اجرا و توسعه برنامه‌های آموزشی مربوط همت گمارد، و مستمراً مضر به پیگیری آنها نیز باشد.

۴ - بالغ بر هشتاد درصد از واحدهای تولیدی کشاورزی و منابع طبیعی کشور متعلق به بهره‌برداران خرده پای روستایی و روستائی - تبار و عشایری است. نظام‌های ترویج کشاورزی، منابع طبیعی و روستایی فعال در سازمان‌های ذیربط در سطح کشور می‌باید این توده عظیم بهره‌بردار را در قالب «گروه‌های هدف» برای دستیابی و اطلاع - رسانی نصب‌العین خود قرار داده و اصالتاً در خدمت به آموزش آنان باشند.

۵ - یک «روستای بدون «مروج» در حکم یک «کلاس» بدون «معلم» است. کار اساسی ترویج که علی‌الاصول تعلیم و تعلم است، زمانی در جهت تعالی و تکامل فنی و فرهنگی فاطبه روستاییان به طور دائمی و بنیانی تحقق می‌یابد، که هر روستا و با روستاهای حوزه هر دهستان، از خود دارای مروجی موظف، تحصیلکرده و مقیم در روستا باشد. از این رو، به برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌های روستایی قویاً توصیه می‌شود که روستاها را بدون «مروج» نگذارند.

